

## سیره صلح‌جویانه پیامبر(ص)

در میان نوابغ بشری و مصلحان اجتماعی و رهبران الهی، کمتر کسی چون پیامبر اسلام، تاریخی شفاف و روشن دارد. مورخان بزرگ اسلام، مستشرقان و پژوهشگرانی که پیرامون اسلام تحقیق کرده‌اند، تمام زوایای زندگی پیامبر را، هر چند با روایت‌های مختلف، به بحث گذاشته‌اند. قرآن کریم که نخستین و مهمترین منبع شناخت اسلام است، بخشی از آیاتش درباره سیره و سلوک پیامبر نازل شده است؛ به گونه‌ای که زندگی شخصی پیامبر و نحوه ارتباطش با میهمانانی که از در وارد می‌شوند و همسران تا برخوردهای اجتماعی و گونه ارتباطش با خداوند را در بر دارد.

### اصول مشترک پیامبران

نخست باید گفت که پیامبران بزرگ الهی دارای اصول مشترکی هستند که در قرآن به آنها اشاره شده است. از صفات مشترک همه انبیا رحیم بودن و شفقت ورزیدن به همه بشریت است. آنان برای زدودن رنج و آلام و دفع بلاهای اجتماعی که آدمیان گرفتار آند، تا آنجا که ممکن است، کوشیده‌اند: و ما ارسلناک الا رحمه للعالمین. (انبیاء/ ۱۰۷)، و لو اَنَّهُمْ اذ ظلموا انفسهم جاءوک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیماً: اگر آنها هنگامی که به خویشان ستم می‌کردند نزد تو می‌آمدند و از خداوند آمرزش می‌خواستند و پیامبر برایشان طلب آمرزش می‌کرد، خدا را بسیار توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

### نگاهی به شخصیت پیامبر(ص)

طبعاً کسی که بخواهد بین خدا و مردم واسطه رحمت باشد و همگان را به زندگی رحیمانه و مصلحانه دعوت نماید، خود باید سرشار از رحمت و محبت باشد. لهذا در میان اوصاف بزرگ و ستوده‌ای که پیامبر اسلام داشت، خداوند او را به اخلاقش تعریف می‌نماید: و اَنک لعلی خُلُقٍ عظیم: همانا تو بر اخلاقی بزرگ استواری. در روایات از برخورد شخص پیامبر با مردم چنین تعریف شده است: کان دائم البشر، سهل الخلق، لیّن الجانب، لیس بفظ و لا غلیظ: گشاده‌رو، خوش اخلاق و نرم‌خو بود، نه خشن و درشت‌خو.

### اصل تساهل:

از اصول شخصیت پیامبر اسلام مدارا و تساهل با مردم بود؛ به گونه‌ای که با این صفت توانست در مردم تحول ایجاد کند. قرآن کریم درباره این اصل اخلاقی پیامبر چنین می‌فرماید: فبما رحمه من الله لنت لهم، و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک. فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم فی الامر. در اینجا نخست به شخصیت اخلاقی پیامبر اشاره می‌کند که: انسان نرم‌خویی هستی و اگر درشتخو بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند. بعداً می‌گوید: بنابراین نسبت به مخالفان خود گذشت کن و از خداوند برایشان طلب مغفرت نما.

نکته مهم اینجاست که: پیامبری که بعضاً او را جنگجو معرفی می‌کنند، در اینجا از طرف خداوند مأمور است که از مخالفان خود درگذرد، علاوه بر گذشت، با آنان مشورت کند. پیامبر بارها فرمود: من از طرف خداوند مأمورم تا با مردم مدارا کنم. ان الله تعالی امرنی بمداراه الناس: خداند مرا به مدارای با مردم امر نموده است.

اخلاق پیامبر از قرآن جدا نبود و نمی‌شود قرآن چیزی بگوید و پیامبر جور دیگری عمل کند. از ام‌المؤمنین عایشه سؤال شد اخلاق پیامبر چگونه بود، پاسخ داد: «کان خُلِقَ القرآن: اخلاق پیامبر قرآن بود.» اخلاق قرآن یعنی: خُذ العفو و أمر بالعرف و اعرض عن الجاهلین: با آنها مدارا کن، و گذرشان را بپذیر، و به نیکی‌ها دعوت نما و از جاهلان روی بگردان.

اضافه می‌نمایم که رحمت، مغفرت، و مدارایی تنها سیره شخصی پیامبر(ص) نبود، بلکه سیره سیاسی او نیز چنین بود. علی(ع) که در مکتب پیامبر تربیت یافته است می‌فرماید: «رأس السیاسة الرفق: اصل سیاست به کار بردن رفق و مداراست.» انس بن مالک درباره برخورد پیامبر با مردم می‌گوید: کان رسول الله من اشد الناس لطفاً بالناس، پیامبر(ص) بیشترین لطف را به مردم داشت. شاید مهمترین سخن درباره رفق و مدارایی خود پیامبر فرموده باشد: من یحرم الرفق یحرم الخیر کله: هر کس از رفق و مدارا بی‌بهره باشد، از هرگونه خیری بی‌بهره است؛ لهذا همواره برای قوم خود دعا می‌کرد که: اللهم اغفر لقومی فانهم لا یعلمون: خدایا قوم مرا ببخش که آنان نمی‌فهمند.

رفق و مدارای پیامبر تنها با یاران نبود، بلکه با مخالفان خود که سالها او را مورد اذیت قرار داده بودند، چنین برخوردی داشت. ابن اسحاق (نخستین مورخ اسلامی) نقل می‌کند: روز فتح مکه سعد بن عباده خزرجی، در حالی که پرچمدار بود، گفت: «الیوم یوم الملحمة، الیوم تستحل الحرمه: امروز روز کشتار و جنگ و انتقام است، امروز روز شکسته شدن حرمتهاست.» پیامبر تا فهمید که سعد چنین می‌گوید، فرمود پرچم را از سعد گرفتند و آن را به علی داد و گفت: تو آن را وارد شهر کن.

بعداً فرمود: «الیوم یوم المرحمة: امروز روز رحمت و مهربانی است.» در این هنگام مردم مکه در انتظار بودند که رسول خدا(ص) جواب نامهربانیهای آنان را چه خواهد داد. پیامبر پرسید: «یا معشر قریش ماترون ائی فاعل فیکم: ای جمعیت قریش تصور می‌کنید من با شما چه رفتاری خواهم داشت؟» گفتند: «خیراً، اخ کریم و ابن اخ کریم: نیکی؛ تو برادر بزرگوار و برادرزاده بزرگوار ما هستی.» آنگاه پیامبر فرمود: «اذهبوا انتم الطلقة: بروید که شما آزادشدگانید.» پیامبر پس از فتح مکه اصل بزرگ اخلاقی را بنیان نهاد و فرمود: «الاسلام یجّب ماکان قبله: اسلام گناهان گذشته را می‌پوشاند.»

بنا به روایت مورخان، پیامبر اسلام هیچ‌گاه از این اصول اخلاقی عدول نکرد و همیشه مردم را به حسن خلق، مدارا با دیگران و نفی خشونت دعوت می‌کرد و می‌فرمود: «الیسر یمن و الخرق مشئوم: آسان‌گیری و ملایمت خجسته است و درشتی و خشونت نحوست می‌آورد.»